



محمد امین فرزتن



مکشی بر فرمان خروج نیروهای امریکا توسط جوانبدين رئيس جمهور امریکا

ابرقدرت ها شکست خوردند يا افغانها ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=4SatWuRiNyM>

وقتی وارد صفحه شطرنج شدی چه خواهی چه نخواهی تبدیل به "مهره" خواهی شد، افغانستان که از دیربدينسو صفحه شطرنج استعمار سرخ و اکنون سیاه شده است. هر روز در گوشه ای و هر شب در خانه ای از این سرزمین غوغا برپا است، هر جا جنگسالاری بر آسب فیل و قدرتی سوار است و به تاخت و تاز مشغول است. اکنون مدتی و از چهاردهه بدینسو است که افغانستان در چنگال چنین هیولای وحشتناک استعمار سرخ برهبریی اتحاد جماهیر شوروی سابق استعمار سیاه تحت زعامت ایالات متحده امریکا افتاده است <https://www.youtube.com/watch?v=pX39Ai1Xq1k>

با این تفاوت که لشکر سرخ آنگاه به حمایت از حاکمیت کودتائی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اهداف استراتژیکی و جیوپولیتیکی خود افغانستان را بدون مشروعیت ملی و حمایت جامعه بین المللی تحت تصرف و اشغال خود در آورد که افغانستان نزدیک به چند ماهی نخستین جرقه های خشونت را که به وسیله مهره های معلوم الحال کودتائی وابسته با اتحاد جماهیر شوروی شنیده می شد. طبیعی است که یک طرف این صفحه خونین را دولت شوروی آن وقت اشغال کرده بود و در مقابل این وضعیت مملو از خشونت ارتش سرخ و حامیان شان مردم سلحشور افغانستان دست به مهاجرت زدند و علیه اشغالگران به مقاومت پرداختند. بدون شک که حین اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ که با رویارویی تاریخی جنگ سرد میان ابرقدرتها ی بزرگ در حالی مصادف شده بود که اکثریت مردم افغانستان از دیار مهاجرت (پاکستان و ایران) برای آزادی سرزمین خویش به مبارزه پرداخته بودند نه میتوانستند از آثار و عوارض ناگوار مبارزه در تبعید در آمان باشند و با درد و دریغ که عده ای کثیری از مبارزین راه آزادی و استقلال نتوانستند آنچه که شائسته یک نهضت آزادی بخش ملی میباشد به وظائف و مسؤولیت های خطیر ایمانی و تاریخی خویش عمل نموده و با مبارزه در برابر غرائز قدرت و ثروت جرقه های از یک امید سبزو ایجاد یک نظام آزاد و مستقل در قلب های از نسل آینده را غرس نمایند؛ بگذارید بلا مقدمه بگوئیم که اکثریتی از رهبران نهضت مقاومت افغانستان که در برابر اشغال ارتش سرخ می جنگیدند بصورت تیوریزه و بسیار ساده لوحانه بدون آنکه انگیزه اصلی ایجاد کشور پاکستان را که در نیم قاره هند با نقشه استعمار به عنوان یک غده سرطانی و دائیم آزار دهنده برای کشورهای افغانستان و هند بزرگ که یکی پی دیگری از یوغ استعمار انگلیس آزادی حاصل نموده بودند در دام شبکه های استخباراتی بویژه افتادند ، لهذا نباید تعجب کرد که چرا [روزنامه نیویارک](#) ISI سازمان اطلاعات ارتش پاکستان [تایمز چاپ امریکا](#) اعلام خروج سربازان امریکائی را بر استناد سخنان جنرال حمید گل سابق که گفته بود : یک مطلب را جهت ثبت در تاریخ به ISI رئیس سازمان اطلاعات ارتش پاکستان شما میگوئیم شاید کسی دیگری آن را بر زبان نیاورند و آن این است که سازمان اطلاعات ارتش https://www.youtube.com/watch?v=8DK_HmJytKk

پاکستان ISI متهم به همکاری با طالبان میکنند ، تاریخ خواهند گفت که ISI به کمک امریکا اتحاد جماهیر شوروی را در افغانستان به شکست مواجه ساخت من یک جمله دیگری بر آن اضافه می کنم که سازمان اطلاعات ارتش پاکستان ISI به کمک خود امریکا ، امریکا را شکست خواهیم داد !....



هرچند سخنان جنرال حمید گل رئیس بزرگترین شبکه استخباراتی سازمان اطلاعات ارتش پاکستان ISI مبالغه آمیز بوده است اما بدون شک این واقعیت حیرت انگیز سیاسی را می رساند که حین زمامداری دکتر محمد نجیب الله احمدزی رئیس جمهوری که دست نشانده و مهره مطلوب اتحاد جماهیر شوروی بود با نفوذ استخباراتی پاکستان در کمیته امنیت دولتی اتحاد جماهیر شوروی K.G.B و "خاد" یا ریاست خدمات دولتی افغانستان " و پس از تقریباً دوده حضور نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان در حکومت دست نشانده آمریکا و شرکایش برهبری محمد اشرف غنی احمدزی حوادث و وقایع مشابهی بوقوع می پیوندد. جان مطلب این است که نه در دوران جنگ مردم افغانستان علیه اشغالگران شوروی و نظام های کودتائی شان می جنگیدند و نه هم طی بیست سال اخیر که افغانستان دستخوش سلطه استعماری جهان غرب بویژه ایالات متحده آمریکا شده است سرنوشت افغانستان از مسکو و واشنگتن و شرکایشان تعیین میگردد و با چنین فورمول است که هنوز هم پس از چهار دهه غم و مصیبت مهره های معلوم الحالی با دیپلوم های استخباراتی و دیگر القاب مصنوعی در پیشاپیش استعمارگران رژه میروند. اگر خروج ذلت بار ارتش اشغالگر شوروی سابق نه تنها در تاریخ ملت ما بلکه در تاریخ همه بشریت مترقی و آزادی خواه به عنوان یک کارنامه عبرت انگیزی برای همه جباران و قلدان به ثبت رسیده است و این هشدار بزرگی بود برای تمامی زورگیران عالم و عبرت سترگی برای همه مبارزین و آزادی خواهانی که در راه دفاع از میهن و نوامیس ملی در صحنه پیکار و مبارزه استاده بودند، چگونه شد که با داشتن این همه تجارب عظیمی از اشغال افغانستان و مقاومت های بی نظیر مردم افغانستان در برابر اشغالگران در هر دو حوزه ای از نبرد یعنی کشورهای بیگانه و نیروهای مبارز داخلی بیش از چهار دهه است که افغانستان در آتش خونین جنگ می سوزد و بار دیگر سردمداری از یک ابرقدرت یعنی ایالات متحده آمریکا که زمانی در حمایت از مردم افغانستان قرار داشت فرمان خروج نیروهایش را صادر میکند ؟ ممکن است سران جامعه جهانی و زعامت گروه های افغانی در باره علل و انگیزه های این وضعیت بیانات و نظرات خویش را ارائه فرموده باشند و یا هم به سمع مردم آواره ما برسانند که همین اکنون نیز سخنان مرشدانه ای گلبدین حکمتیار رهبر دائیم جنجالی یکی از بزرگترین احزاب دوره جنگ و مبارزه در برابر اشغالگران شوروی سابق نسبت به اعلام اخیر جو بایدن Joe Biden رئیس جمهور دموکرات ایالات متحده آمریکا مبنی بر خروج سربازان ایالات متحده آمریکا از افغانستان با شیوه و لحن آمرانه و کلیمات داهیانه طی یک نشست نیمه مطبوعاتی ارائه کرد و گفت :

<https://www.youtube.com/watch?v=WhGp9wR5BDs>

خروج نیروهای آمریکایی دلایلی سیاسی دارد نه لوژستیکی ! ایالات متحده آمریکا هم این دلایل را تا هنوز توزیع نداده است تا ابهامات و تشویشها را رفع کند. پنهان گذاشتن دلایل سیاسی تأخیر در خروج نیروهای آمریکائی شکوک و شبهات را نسبت به نیات آمریکا مضاعف ساخته است. با احترام عمیق و ارادت های بی پایانی که به همه رزمندگان راه آزادی و استقلال کشور دارم با توجه به اینکه می بینیم که کوشش های فراوان تمامی چهره های به ظاهر ضد استعماری و عدالت خواه که بیش از چهاردهه در مزرعه ای از مبارزه و آزادی خواهی ارتزاق میشوند و بنام جهاد و مقاومت کسب جزیه می فرمایند بی نتیجه مانده است.



بدون شک وابسته گی اقتصادی و وپروس اعتیاد بر مصرف و تجمل که بصورت مزمن از همان آغاز جهاد و مقاومت در گروه های خون اکثریتی از مجاهدان راه آزادی و استقلال به مشاهده میرسد در ایجاد چنین فضای تاروتاریک نقش داشته لهذا کاملاً طبیعی است و هیچکسی نه میتواند انکار کند که از چهار دهه بویژه از بیست سال بدینسو که نظام اقتصاد بازار آزاد بصورت کاریکاتوری بر مردم فقیر و جنگزده افغانستان حاکم است و حاکمانی که از آنسوی آنها بر گستره ای پوسیده ای از سنت اجلال نزول فرمودند پوسیده ها را دوباره پوسانیدند ، فرهنگ گذشته مردم فقیر افغانستان را از مفهوم تهی کرد و فرهنگ مصنوعی جدیدی را در آن غرس نمودند. جالب و سخت شگفت انگیز است که این عملیه خونین تهی سازی اصالت ها و ارزشهای تاریخی مردم افغانستان برخلاف روش های کلاسیک استعمار قدیم با شیوه های آزموده شده و به کمک دلالات و مهره های مختصر شستشو شده ای مغزی که شجرة النسب شان با آب و خاک سرزمین کهن افغانستان گره می خورند کشور و مردمی را که هنوز درد های اشغال استعمار سرخ را التیام نه بخشیده بودند با وعده های سرخرمن و لاف های پهلوانانه و شعار های مفتکی روح شان را تسخیر کردند اما می بینیم آنچه که پیوسته تهدید میشود و آنچه روبه زوال است و آنچه اگر برود همه ما را در اعماق نیستی خواهند برد نیروی هوشیاری و عقلانی ما است که سردمداران مافیای حاکم بر سرنوشت افغانستان تلاش دارند تا با شیوه های مجرب و با بریدن تمامی پیوند های که مردم افغانستان را با گذشته و حال وصل میکنند این جوهر هوشیاری و عقلانیت ما را نشانه گیرند .

پار زنده صحبت باقی !